

سنجش احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهرهای کوچک و مرزی (مطالعه موردی: شهر خواف)

تاریخ دریافت: ۸۹/۵/۲۷

دکتر علی زنگی آبادی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۳

مهدی زنگنه^۲

چکیده

مفهوم احساس امنیت یکی از مؤلفه‌های کیفیت زندگی در شهرهاست و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای ناامنی به‌شمار می‌روند. فضاهای شهری به عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی و جنسی و طبقات اجتماعی، محیطی امن، سالم و پایدار و جذاب را برای همه افراد فراهم کند و به نیاز تمامی اقشار اجتماعی پاسخ مناسب بدهند و پاسخگوی حداقل نیازها باشند. امروزه با توجه به گسترده‌ی شهرنشینی و رواج نا امنی‌های اجتماعی در شهرها، مطالعه موضوع امنیت اجتماعی، عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای تقویت امنیت در شهرها ضرورت یافته است. در پی چنین ضرورتی نوشتار حاضر بر آن است تا با مورد پژوهی شهر خواف، احساس امنیت شهروندان اجتماعات کوچک و مرزی نظام شهری کشور (نمونه‌ای از شهرهای مرزی خراسان رضوی) را مورد سنجش قرار دهد.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی، تحلیلی بوده که اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه، جمع‌آوری شده و با استفاده از نرم افزار SPSS، اطلاعات تجزیه و تحلیل شده و فرضیات مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشانگر آن است که بین احساس امنیت و شاخص‌هایی چون: سرمایه اجتماعی، عملکرد رسانه‌ها، نقش نیروی انتظامی، پایگاه اجتماعی افراد و فضای فیزیکی شهر رابطه معناداری وجود دارد. در پایان راهکارهایی برای ارتقای امنیت اجتماعی شهرهای مرزی ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

امنیت / احساس امنیت اجتماعی / شهرهای مرزی / شهر خواف.

۱- دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

۱- مقدمه

از گذشته‌های دور، مسئله امنیت به عنوان یکی از دغدغه‌های جوامع بشری به شمار می‌آمده است آن گونه که به تعبیر برخی از اندیشمندان، از دلایل اصلی چشم پوشی بشر از آزادی و حیات طبیعی و تن دادن به زندگی جمعی، مسئله امنیت اجتماعی (جمعی) است. در دوره‌های تاریخی، جوامع بشری به ویژه دولتمردان آن، برای حفظ و بقا خود سعی در ایجاد امنیت و احساس امنیت در بین شهروندان خود داشته‌اند.

مفهوم امنیت، قدمتی به وسعت تاریخ بشر و از جهتی بر مفهوم «اجتماع» و «جامعه» تقدم دارد. این مفهوم به تدریج با توسعه جوامع بشری، ابعاد تازه‌ای یافته است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که آن هنگام که جوامع دارای آرامش و امنیت بوده‌اند در اوج ترقی و توسعه زیسته‌اند و برعکس آن هنگام که آرامش جوامع تحت الشعاع کشمکش و نزاع قرار گرفته احساس امنیت به شدت تنزل نموده و به تبع آن روند زندگی شهروندان دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته است. بر این اساس دولت‌ها هزینه، زمان و امکانات وسیعی را برای تأمین امنیت صرف می‌کنند، زیرا احساس امنیت مقدمه لازم برای حیات نظام سیاسی و اجتماعی است. با این توصیف، این نوشتار بر آن است تا با مورد پژوهی شهر خواف، احساس امنیت شهروندان اجتماعات کوچک و مرزی نظام شهری، کشور (نمونه‌ای از شهرهای مرزی خراسان رضوی) را مورد سنجش قرار دهد.

۲- بیان مسئله و ضرورت تحقیق

مقوله ناهنجاری اجتماعی و در کنار آن بروز رفتارهای جرم خیز که در قالب مکان‌های جغرافیایی بروز پیدا کرده‌اند، چالشی اساسی در نظام سکونت شهری جهان شده است. به همین منظور ایجاد محیط‌های امن به اشکال مختلف اولویت اساسی برنامه ریزان شهری است. این در حالی است که با افزایش آمار بزهکاری و کاهش احساس امنیت، نگرانی‌های عمیقی در حوزه مدیریت شهری پدید آمده، به

همین خاطر ملاحظات امنیتی و ایجاد برنامه‌های مختلف کنترلی در الگوهای برنامه-ریزی شهری افزایش یافته است.

البین می‌گوید: «اگر مردم، فضایی را به دلیل عدم راحتی و یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین رفته است». یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی است. ناامنی مکان‌ها و فضاهای عمومی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره، مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید. (افتخاری، ۱۳۸۱: ۸). مفهوم احساس امنیت یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی در شهرهاست و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای ناامنی، به‌شمار می‌روند (عظیمی، ۱۳۸۱: ۲۲).

فضاهای شهری به عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان، باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی و اجتماعی؛ محیطی امن، سالم و پایدار و جذاب را برای همه افراد فراهم کند و به نیاز تمامی اقشار اجتماعی پاسخ مناسب بدهند و پاسخ‌گوی حداقل نیازها باشند. (شریعی ۱۳۸۴: ۱۰)

زوکین در کتاب فرهنگ شهرها می‌گوید: «فضاهای شهری به اندازه کافی برای مردم امن نیستند، تا آنان در خلق فرهنگ عمومی مشارکت داشته باشند». به عقیده او، بارزترین تهدید برای فرهنگ عمومی نگرانی‌ها و ترس‌های ناشی از تهدیدات و هرج و مرج‌های نظیر ضرب و شتم، شورش‌های ناگهانی، جنایات نفرت‌انگیز و نظایر اینهاست که حضور در فضای عمومی شهر را دچار تهدید می‌کند. ماحصل این امر، وضع مجازات‌های شدیدتر در رابطه با جرایم شهری و یا خصوصی سازی و نظامی‌گری در فضاهای عمومی شهر است که نتیجه هر سه حالت فوق از بین رفتن عرصه عمومی است.

بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جانبه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نبوده و توسعه

اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند، بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود (فرماندهی نیروی انتظامی اصفهان، ۱۳۷۸: ۹).

امروزه با توجه به مهاجرت به شهرها و کلان‌شهرها و به وجود آمدن اختلاط قومی - مذهبی و افزون بر آن مسئله بیکاری و وجود فضاهای جرم خیز در شهر و آسیب‌ها، انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی، و پیامدهای دیگر، بحث امنیت و احساس نا امنی شهروندان به دغدغه بزرگی تبدیل شده است.

در یک پیمایش ملی، نتایج احساس امنیت اجتماعی در کل کشور نشان می‌دهد که ۵۲ درصد افراد دارای احساس امنیت اجتماعی زیاد، ۲۷ درصد متوسط و ۲۱ درصد دارای احساس ناامنی اجتماعی هستند. این میزان برای استان خراسان بزرگ بدین‌گونه است که ۴۳/۶ درصد افراد دارای احساس امنیت اجتماعی زیاد، ۳۲/۲ درصد امنیت متوسط و ۲۲/۲ درصد احساس بی‌امنیتی اجتماعی می‌کنند. ملاحظه می‌شود که این میزان کمتر از میانگین احساس امنیت اجتماعی کل کشور است (عظیمی هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۹۰). بنابراین دغدغه حل مسئله احساس ناامنی شهروندان و دستیابی به توسعه پایدار شهری؛ بررسی مؤلفه‌های رفاه، آسایش و امنیت شهروندان با توجه به اهداف برنامه‌ریزی شهری ضرورت می‌یابد. با این همه در سال‌های اخیر اندک توجهی که در برنامه‌ریزی‌های شهری به مسایل اجتماعی مانند امنیت، رفاه و سلامت شهروندان شده است به کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها و به ویژه پایتخت اختصاص یافته و در برنامه‌ریزی‌ها، شهرهای متوسط، کوچک و مرزی کمتر مورد توجه قرار گرفته است که این خود باعث افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی، مهاجرت و ... شده است.

در این میان با توجه به گسترش روز افزون شهرنشینی و در پی آن گسترش و ازدیاد ناامنی‌های اجتماعی در شهرها، بررسی موضوع امنیت، زمینه‌های وقوع ناامنی و راهکارهای ارتقای احساس امنیت در شهرها ضرورتی ناگزیر است. این موضوع در شهرهای مرزی ضروری‌تر می‌نماید زیرا بخشی از ناامنی مرزنشینان مربوط به عوامل خارجی و برون مرزی است. از این روی، بررسی امنیت در شهرهای مرزی

خراسان رضوی مانند خواف، سرخس، فریمان و تربت جام که سکونت‌گاه مهاجرین افغانی در سال‌های دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ بوده است، اهمیت می‌یابد. با وجود این تاکنون کمتر پژوهشی پیرامون این موضوع در شهرهای یاد شده انجام گرفته است. بر اساس چنین ضرورتی، مقاله حاضر با هدف توسعه امنیت اجتماعی شهروندان شهر خواف به تحلیل این موضوع می‌پردازد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- عوامل جمعیت‌شناختی: بررسی عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت بدون در نظر گرفتن تعدادی از ویژگی‌های فردی دچار کاستی خواهد بود. افراد با ویژگی‌های خاص ممکن است در برابر عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت (ناامنی) سطوح متفاوتی از ناامنی را از خود نشان دهند. با توجه به این امر، تعدادی از متغیرهایی که در مطالعات مختلف، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته‌اند و در ضمن روابط قوی‌تری (همبستگی بیشتری) را از خود نشان داده‌اند، با عنوان متغیرهای کنترل، مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند، تا بدین وسیله امکان شناخت ابعاد گسترده‌تر و دقیق‌تری از عوامل مؤثر بر احساس امنیت فراهم شود. این امر، مطالعه عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت را تسهیل و با دقت بیشتری همراه می‌کند. خصوصیات فردی عامل مهمی در پیش‌بینی ترس از جنایت هستند و بیشتر از خصوصیات محلی می‌توانند جهت پیش‌بینی ترس از جرائم مفید واقع شوند. کیلیاس و مکریکی (۲۰۰۰)^۱ به این نتیجه دست یافته‌اند که جنسیت و سن، اعتماد به نفس اشخاص به عنوان عوامل آسیب‌پذیری در پیش‌بینی ترس از راه رفتن بعد از ساعت ۱۰ شب، در خیابان برای آنها است، هرچند آنان تصدیق کرده‌اند که مسایلی مانند روشن بودن خیابان و بهبود عوامل محیطی و اصلاح محیط زیست، را در نظر نگرفته‌اند. بنابراین با استفاده از روش‌ها و مدل‌های سلسله‌مراتبی، رابینسون به این نتیجه دست یافته است که تفاوت‌های فردی، بیشتر از تأثیرات محلی می‌تواند به عنوان متغیر ترس از جرم

1-Killias and Clerici, 2000

شناخته شوند. همان گونه که ذکر شد جنسیت به عنوان مهم‌ترین خصوصیت فردی پیش‌بینی ترس از جرم می‌باشد (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۲).

علاوه بر این بسیاری از خصوصیات فردی دیگر می‌تواند با آسیب پذیری ارتباط داشته باشند. این خصوصیات شامل وزن، نقص عضو فیزیکی، شکل فیزیکی، اعتماد به نفس می‌باشد. کیلیاس و مکریکی (۲۰۰۰) از آنها به عنوان معیارهای آسیب پذیری استفاده کرده‌اند. همچنین عوامل سکونتی مانند تنها زندگی کردن، اجاره کردن منزل و محل سکونت می‌تواند بر آسیب پذیری تأثیر بگذارند (۱۱-۱۰: ۲۰۰۵, McCrea&others). میزان تحصیلات بالاتر از آنجا که گاهی در گرفتن پاسخ-های مکفی در سؤالات مربوط به سطح درآمد در پژوهش‌ها دشواری وجود دارد، به عنوان نماینده طبقه اجتماعی به کار می‌رود. به طور کلی افرادی که سطح تحصیلات پایین‌تری دارند (نماینده طبقه پایین‌تر) نسبت به افرادی که سطح تحصیلات بالاتری قرار دارند، (نماینده طبقه بالاتر) از جرم و جنایت هراس بیشتری دارند (۱۲: ۲۰۰۲, Adu-Mireku).

سن نیز یکی از عوامل بررسی کننده احساس ترس از جرم به شمار می‌آید. افراد کهن سال و همچنین زنان، ممکن است با احتمال کمتری در معرض آزار و اذیت قرار بگیرند با وجود این آنها به دلیل جرم و جنایت‌های واقع شده در جامعه از جرم و جنایت‌ها احساس ترس دارند. پایین بودن قربانی شدن و تحت ظلم قرار گرفتن افراد کهنسال (و زنان) به این دلیل است که این قشر احتیاط‌های لازم و بیشتری را در مقایسه با دیگران را انجام می‌دهند (Hale, ۱۹۹۶: ۱۵۲).

۲-۳- پایگاه اجتماعی - اقتصادی و احساس امنیت

عضویت افراد در قشرها و طبقات اجتماعی مختلف، باعث رشد بعضی از الگوهای رفتاری می‌شود. طبقه اجتماعی فرد، در تعیین پایگاه اجتماعی او و نقشی که ایفا می‌کند و وظایفی که برعهده دارد و از سویی امتیازاتی که از آن بهره‌مند می‌شود، مؤثر است. این عوامل، در برداشت فرد از خود و از اعضای طبقات اجتماعی دیگر

و نحوه تعامل با آنها تأثیر می‌گذرد. بر اساس نظریه فشار اجتماعی که رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهایی می‌داند که بعضی از مردم را وادار به کجروی و بروز ناامنی می‌کند، تأثیر شرایط محیطی بر روی ابعاد امنیت اجتماعی یعنی امنیت جانی، مالی و غیره یکسان و یک جهت نیست. بر اساس تئوری‌ها و چارچوب نظری پژوهش (مانند دیدگاه روان شناسان اجتماعی، مکتب کارکردگرایی ساختاری، دیدگاه تعامل گرایی، نظریه پردازانی چون اینگلهارت، مک گرگور، دیدگاه آسیب پذیری، نظریه فشار اجتماعی و احساس محرومیت نسبی) اعتقاد بر این است که عوامل و ویژگی‌های فردی به خصوص طبقه اجتماعی تعیین کننده میزان احساس امنیت افراد می‌باشد به گونه‌ای که هرچه فرد از لحاظ عوامل اقتصادی و رفاهی در وضعیت مناسبی قرار داشته باشد میزان احساس امنیت این افراد نیز بالاتر رفته و هرچه فرد به لحاظ اقتصادی و نیازهای کمی و کیفی زندگی‌اش ناتوان باشد و احساس آسیب پذیری بیشتری را احساس کند، فرد به لحاظ داشتن احساس امنیت در سطح پایین‌تری قرار دارد (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۱).

۳-۳- عملکرد رسانه‌ها و احساس امنیت

برخی از نظریه‌های مربوط به ترس از جرم (احساس ناامنی) بر تأثیر رسانه‌های جمعی در افزایش ترس از جرم تأکید ورزیده‌اند. هیث و گیلبرت^۱ (۱۹۹۶) مشخص کردند که رسانه‌ها بر احساس ناامنی مردم مؤثر هستند، اما این اثر، تحت تأثیر عوامل متعددی شامل حساسی نگری یا تصادفی بودن جرم و ویژگی‌های مخاطب می‌باشد. هم چنین آنها اظهار می‌دارند که عواملی همچون رشد سریع یا پوشش رسانه‌ای جرم می‌تواند بر خطر (ریسک) درک شده از جرم تأثیر بگذارد به جای اینکه بر افزایش واقعی جرم اثر بگذارد. افزون بر این در معرض جرایم قرار گرفتن منظم، مردم را به احتمال خطر قربانی شدن خود کمتر حساس می‌سازد (۹-۵):

1-Heath and Gilbert ,1996

۲۰۰۳, Bedenbaugh). نظریه دیگر حاکی از آن است که زنان بیشتر از مردان ابراز ترس می‌کنند زیرا بیشتر احساس آسیب پذیری در مقابل جرم می‌کنند. رسانه‌ها به ویژه تلویزیون در شکل دادن به عقاید، نگرش‌ها و رفتارها تأثیر اساسی دارند. جرج گرنبور ۱ مبدع تئوری پرورش معتقد است که باید به فهم جنبه‌های متمایز تأثیرات تلویزیون نائل شد. این جنبه‌ها شامل در معرض قرار گرفتن گسترده، طولانی مدت و مشترک عامه‌های وسیع و ناهمگنی است که در معرض تولید و توزیع توده‌ای پیام‌های رسانه قرار دارند (ساروخانی و مهدیزاده، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که در بررسی رابطه رسانه‌ها و تأثیر آن بر احساس امنیت، با توجه به چارچوب نظری و تئوری‌های مرتبط (مانند: دیدگاه تعامل گرایی، مطالعات فمینیستی، پاسا ساختارگرایان، تئوری پرورش و دیدگاه جرم شناسی)، نقش رسانه در احساس امنیت مخاطبان قدرتمند و اثرگذار می‌باشد، زیرا رسانه‌ها امروزه به جهت منافع سودطلبانه و ایفای نقش خود در جهت جذب مخاطبین بیشتر، از پیام‌هایی استفاده می‌کنند که در آن اغراق بسیاری به کار می‌رود و مصرف کنندگان عمده آنها تحت تأثیر چنین پیام‌هایی در رفتار و کردارشان چه به صورت آگاهانه و چه ناآگاهانه از آن تأسی جسته و پیرو آنان می‌گردند.

۳-۴- ویژگی‌های فیزیکی - اجتماعی شهر و احساس امنیت

با توجه به دیدگاه مدرن و کسانی چون میتار، پست مدرن‌ها، روان‌شناسان اجتماعی، مکتب کارکردگرایی ساختاری (تئوری تعامل تمایز یافته) و نظر دورکیم (تئوری آنومی) و هم چنین دیدگاه مربوط به محیط زندگی، نظریه پنجره‌های شکسته و تئوری اختلال و بی‌نظمی اجتماعی که معتقد است فضای شهر از جمله عوامل تأثیرگذار بر احساسات افراد به ویژه احساس امنیت آنان می‌باشد، می‌توان بیان داشت که افرادی که در فضای فیزیکی و اجتماعی سالمی به سر می‌برند به

1-Gerbner, George&Larry, Gross.

لحاظ ایمن بودن محیط اطرافشان ضریب احساس امنیت بالایی را نسبت به کسانی دارند که فضای اطرافشان آکنده از اختلالات و بی‌نظمی‌هایی است که باعث به وجود آمدن احساس ناامنی در جسم و روانشان می‌گردد و ضریب احساس امنیت آنان را کاهش می‌دهد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۳).

۳-۵- سرمایه اجتماعی (عوامل پیوند محله ای) و احساس امنیت:

در جستجوی رابطه بین عوامل فردی و اجتماعی و ترس از جرم، محققان علوم اجتماعی به نظریه سرمایه اجتماعی متوسل شده‌اند، هم به عنوان یک توضیح ممکن و هم به عنوان یک منبع بالقوه در سطح اجتماع که می‌تواند برای ارتقای امنیت اجتماعی محل زندگی به تحرک واداشته شود. (۳۲۲: Ferguson&Mindel, ۲۰۰۷). سرمایه اجتماعی به شبکه‌های پشتیبان اجتماعی، نهادهای محلی، هنجارها و ضوابط مشترک اعتماد و تعاملات دو سویه و فعالیت‌های جمعی بین اعضای جامعه که می‌تواند برای ایجاد فواید همگانی مورد استفاده قرار گیرد (پاتنام، ۲۰۰۰)، اشاره دارد. نهاد ملی کنترل اجتماعی، همانند پلیس، تأثیری محرک بر کارهای جمعی شهروندان برای پایین آوردن میزان جرم در محل زندگی و هم سطح کردن ترازهای ترس از جرم دارد. تأثیر مستقیم حضور پلیس در محل زندگی در کاهش درک خطر احتمالی از جرایم و در کاهش احساس ترس از جرم، که از طریق توانایی جمعی و رضایت خاطر بالا از محل زندگی به میزان متعادل و متوسطی می‌رسد، همکاری‌های آینده بین ساکنان و اجرای قانون در مبارزه با جرایم را نوید می‌دهد. در هماهنگی با منابع پیشین در مورد سرمایه اجتماعی، محله‌هایی با تعداد زیادی از نهادهای گوناگون (مانند پلیس، مدارس، کلیسا و ارگان‌های خدماتی) احتمالاً بهتر می‌توانند هنجارهای اجتماعی رفتار مطلوب را با موفقیت به اجرا درآورند و فرصت شرکت در سازمان‌های محلی به منظور آسایش همگانی و جمعی محل زندگی را برای شهروندان فراهم نمایند (سامپسون، ۲۰۰۱). یکی از تأثیرات مثبت سطوح بالای قابلیت جمعی و رضایت خاطر کلی همان گونه

که در بالا دیده شد، کاهش نگرانی شهروندان در قبال جرم و جنایت و احتمال قربانی شدن آنهاست.

ساکو^۱ دریافت که یکپارچگی در شبکه‌های مترکم حمایت اجتماعی در واقع نگرانی افراد را در مورد امنیت شخصی به جای کاهش چنین نگرانی‌هایی، افزایش می‌دهد. او چنین نتیجه‌گیری می‌کند که در مقایسه با افرادی که فاقد حمایت اجتماعی خویشاوندان و غیر خویشاوندان خود می‌باشند، افرادی که حمایت عاطفی، اجتماعی بالایی از خانواده و دوستان خود دریافت می‌کنند، در مورد جرایم محیط پیرامونشان و امکان قربانی شدن خود و یا آنان که دوستشان می‌دارند عمیقاً نگران هستند. (Ferguson & Mindel, ۲۰۰۷: ۳۲۳-۳۲۴). بر اساس مدل تحلیلی گیدنز^۲، اعتماد و اطمینان به دیگران، در بستری از روابط اولین در گروه‌های نخستین پدید می‌آید (گیدنز، ۱۳۷۶: ۸۴) اگر شهروندان احساس کنند که پلیس بی تأثیر یا فاسد است و یا نهادهای اجرای قانون در کار خود شکست خورده‌اند، بی اعتمادی همراه با پیامدهای سوئی که بر انسجام اجتماعی و قبول و رعایت هنجارهای اجتماعی دارد بر جامعه مستولی خواهد شد. ولی اگر احساس غالب آن باشد که شرایط در مقابل قانون شکنی‌ها تحت کنترل است، عدم آگاهی (غفلت) پیشگیرانه عمل خواهد کرد. هنوز هم در تئوری اجتماعی، بین اطمینان^۲ در نظام اجتماعی و اعتماد^۳ در روابط اجتماعی رو در رو تفاوت وجود دارد. اطمینان یکی از مؤلفه‌های تشکیل دهنده جوامع مدرن است، در حالی که اعتماد مبنا و پایه رفتار عقلایی است که موقعیت‌های مخاطره آمیز مسیر خود را می‌سنجد. اگر اعتماد شخصی از بین رود، یک دور باطل شروع می‌شود. فردی که دچار ناامیدی شده است (شدیداً یا مکرراً در مورد موضوعات نسبتاً مهم) دیگر در نشان دادن اعتماد خطر نمی‌کند، لذا اطمینان در نظام (نظام اعتماد) به تدریج محو می‌شود. مسؤلیت اعتماد کردن^۴ پیش نیاز

1-Sacco

2-Confidence

3-Trust

4-Vertrautheit

اطمینان بوده و می‌تواند به اعتماد حقیقی تبدیل شود، این در حالی است که بارها به تأیید برسد (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۲).

به طور خلاصه در یک جمع بندی، اطمینان و اعتماد، پیچیدگی‌ها و معضلات اجتماعی را کاهش می‌دهد، زیرا آنها به مردم برای رویارویی با حوادث احتمالی دنیای پیچیده محوریت عینی و ملموس می‌بخشند و به موازات آنها این امید را می‌دهند که موضوعات می‌توانند از یکدیگر متفاوت و متمایز باشند. پلیس نماینده انحصاری اعمال قدرت دولت است. در دموکراسی‌های نوین، قانون اساسی و دیگر هنجارهای قانونی فعالیت‌های نهادهای کنترل اجتماعی را قانونمند و منظم می‌کند. اما، شهروندان باید به طور مستمر، دقت و توجه کافی به این آرژانس‌های دولتی از نظر ارزش‌های دموکراسی و حقوق بشر به منظور اعتماد به آنها مبذول دارند. اهمیت اطمینان در ارزش‌های دموکراتیک با کاهش اعتماد شخصی افزایش می‌یابد و بالعکس، مورد تردید قرار گرفتن اطمینان در سیاست منجر به افزایش نیاز به اعتماد شخصی می‌شود. در این صورت جوامع قادر به ادامه حیات خود می‌باشند زیرا بر خلاف بی اعتمادی احتمالی به سیاستمداران از طرف عموم، اطمینان اندکی در روند (اصول) دموکراتیک وجود دارد. به علاوه، اینکه ساکنان چقدر نهادهای کنترل‌گر اجتماعی نظیر پلیس را مؤثر بدانند، بر احساس آسیب‌پذیری آنها و یا محافظت در برابر خطر قربانی شدن تأثیر به‌سزایی دارد (Adu-Mireku, ۲۰۰۲: ۱۵۵).

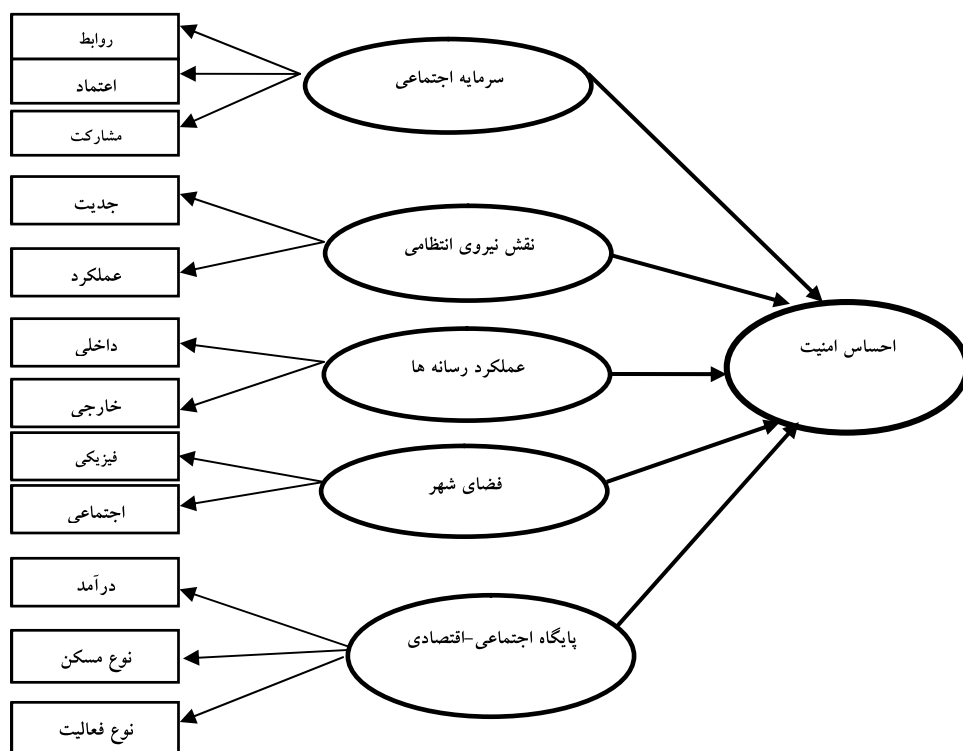
یکی از عوامل مهم برای احساس امنیت در عموم، آگاهی آنها نسبت به این مسئله است که پلیس به سرعت و به طور مناسب عکس‌العمل نشان خواهد داد. (کیفیت ارائه خدمت). حجم واکنش‌ها و سطوح مختلف اجرا در سازمان به ایجاد یک سردرگمی می‌انجامد. انتظارات و تقاضاهای عموم در برخی موارد متناقض است. از یک طرف آنها خواهان نظم و اجرای سخت‌گیرانه قانون و از طرف دیگر خواهان ایجاد قوانین دیگری برای حمایت، فهم، میانجیگری و حل مسایل و نیز مدارا و ارفاق و احترام به حقوق انسانی در قبال مجرمان هستند.

برخی طرفداران جلوگیری جمعی از جرم، نظر جین جاکوبز^۱ (۱۹۶۱) را در نظم اجتماعی طبیعی و غیر رسمی انتخاب نموده‌اند و هیچ نیازی به نهادهای ثانویه همچون پلیس برای کاهش ترس نمی‌بینند (۴۲-۴۱: Renauer, ۲۰۰۷). از آنجایی که نقش و اهمیت دولت در ایجاد امنیت و احساس امنیت از ابتدا مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان بوده است (مانند: نظریه‌پردازان دیدگاه سنتی چون ارسطو، افلاطون و هابز) و مکاتب فکری متعددی (مکتب کپنهاگ، پسا ساختارگرایان و کسانانی مانند مک‌گرگور و کاتنی باجپای) نیز ایجاد و حفظ امنیت را از ارکان اصلی دولت می‌دانند و معتقدند که دولت تأمین کننده احساس امنیت شهروندان می‌باشد و برای بقای خود باید دستگاه‌های اجرایی و نظارتی خود را در جهت رفع این نیاز آماده سازد، نیروی انتظامی نیز از دستگاه‌های دولتی است که این امر خطیر بر عهده آن می‌باشد.

۴- فرضیات تحقیق

- ۴-۱- به نظر می‌رسد که متوسط احساس امنیت بر حسب گروه‌های سنی متفاوت است.
- ۴-۲- بین احساس امنیت شهروندان و اوضاع فیزیکی و اجتماعی شهر رابطه وجود دارد.
- ۴-۳- بین احساس امنیت شهروندان و پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۴-۴- بین احساس امنیت شهروندان و عملکرد رسانه‌ها رابطه وجود دارد.
- ۴-۵- بین احساس امنیت شهروندان و نقش نیروی انتظامی رابطه وجود دارد.
- ۴-۶- به نظر می‌رسد که زنان نسبت به مردان احساس امنیت کمتری دارند.

1- Jane Jacob's (1961)



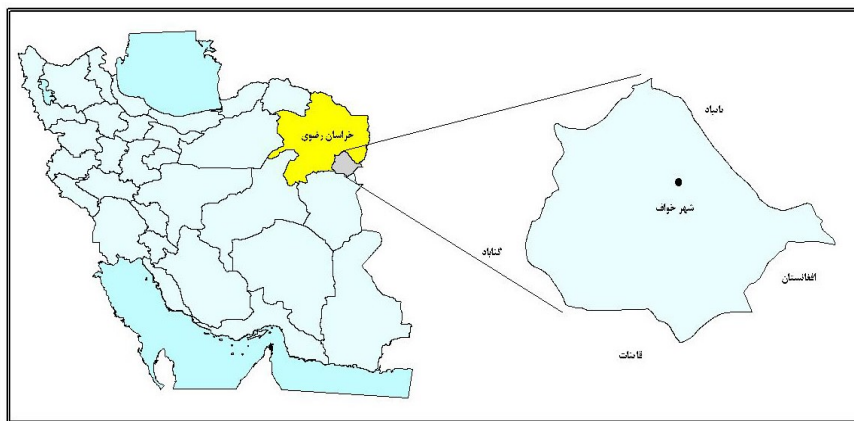
۵- مدل نظری تحقیق:

پس از بیان و تحلیل نظریه پردازان امنیت و مرتبط ساختن مبانی نظری پژوهش با فرضیاتی که محقق در مباحث پیشین مطرح کرده است، می توان، مدل نظری تحقیق را ترسیم نمود. مدل نظری تحقیق بر مبنای نظریات، مکاتب و دیدگاه های فکری کسانی است که به ارتباط جنس، سن، سرمایه اجتماعی، فضای شهر، نقش نیروی انتظامی (پلیس)، عملکرد رسانه ها، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، تجربه مستقیم و غیرمستقیم از جرم و با احساس امنیت یا ناامنی مرتبط هستند می پردازد. بنابراین بر طبق نظریات فوق می توان مدل نظری تحقیق را بدین صورت تدوین نمود.

۶- معرفی عرصه پژوهش

عرصه پژوهش شامل شهرهای مرزی خراسان رضوی که به دلیل گستردگی موضوع شهر خواف به عنوان الگویی از شهرهای مرزی جهت انجام عملیات میدانی پژوهش انتخاب گردیده است.

شهر خواف (رود) از توابع استان خراسان رضوی و به عنوان مرکز شهرستان خواف است، این شهرستان در حدود ۱۲۳ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان دارد. شهر خواف در ۲۵۰ کیلومتری جنوب غربی مشهد قرار گرفته، بزرگترین نقطه شهری این شهرستان است که در ۳۴ درجه و ۳۴ دقیقه عرض جغرافیایی و ۶۰ درجه و ۸ دقیقه طول شرقی که در مسیر ارتباطی تربت حیدریه به طرف تایباد، در فاصله ۷۵ کیلومتری جنوب غربی تایباد و در ۱۱۵ کیلومتری جنوب شرقی تربت حیدریه قرار داشته و در یک دشت نسبتاً وسیع بنام دشت خواف واقع شده است. (زنگنه، مهدی، ۱۳۸۴: ۱۰۴) جمعیت شهر ۲۴۵۸۹ نفر می باشد. (مرکز بهداشت شهرستان خواف، ۱۳۸۹)



شکل ۱: موقعیت شهر خواف در شهرستان، استان و کشور



شکل شماره ۲ تصویر ماهواره‌ای شهر خواف

۷- متدولوژی تحقیق

پژوهش از نوع توصیفی _ تحلیلی بوده که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. قسمت عمده انجام پژوهش پیمایشی بوده است. جامعه آماری شامل ساکنان ۵۰-۱۵ ساله شهر خواف می‌باشد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ در شهر خواف ۱۱۵۹۰ نفر در این رده سنی قرار داشتند (مرکز بهداشت شهرستان خواف، ۱۳۸۸)، و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران (رفیع پور، ۱۳۷۴: ۷۶) حجم نمونه ۳۸۴ نمونه تعیین شد. روش نمونه‌گیری به روش تصادفی از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است. در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری میزان احساس امنیت اجتماعی از پرسشنامه‌ای با ۲۵ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها از نرم افزار SPSS کمک گرفته شد.

برای پایایی^۱ ابزار سنجش از آزمون آلفا کرونباخ^۲ استفاده شده است. آلفای کرونباخ برای سنجش احساس امنیت با تعداد ۵۰ گویه ($\alpha = 0/94$) به دست آمد. جهت اعتبار^۳ گویه‌های به کار گرفته شده در سنجش احساس امنیت، از اعتبار صوری استفاده شد و به منظور توصیف و تحلیل داده‌ها، از نرم افزار spss استفاده شده و از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس، تفاوت میانگین‌ها (t.test) و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

۸- یافته‌های پژوهش

در این قسمت نتایج به دست آمده از تحقیق به صورت توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در کل از ۳۸۴ نفر نمونه این پژوهش، ۶۵ نفر (معادل ۱۷ درصد) دارای احساس امنیت کم، ۲۲۴ نفر (معادل ۵۸ درصد) در سطح متوسط و ۹۵ نفر (معادل ۲۵ درصد) دارای احساس امنیت بالا بوده‌اند. توصیف سایر متغیرها، جهت خلاصه شدن مطالب در جداول همراه با آمار استنباطی آورده شده است.

۸-۱- آزمون تفاوت میانگین؛ بین احساس امنیت و جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین بر اساس طیف ۱ تا ۵	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
زن	۱۵۶	۲/۴	۱۰/۸	-۸/۱۶	۰/۰۰
مرد	۲۲۸	۳/۵	۱۱/۸		

جدول فوق احساس امنیت اجتماعی را بر اساس جنسیت نشان می‌دهد. با توجه به

1. Reliability
2. Alpha cronbach
3. Validity

آزمون تفاوت میانگین‌ها و سطح معناداری؛ بین این دو متغیر رابطه معنادار (معکوس) وجود دارد، به طوری که میانگین نمره احساس امنیت اجتماعی بر اساس طیف ۱ تا ۵، برای مردان ۳/۵ و برای زنان ۲/۴ بدست آمده که نشان‌دهنده احساس امنیت کمتر در بین زنان می‌باشد.

۸-۲- آزمون تحلیل واریانس بین احساس امنیت و میزان تحصیلات

سطح معناداری	F	df	میانگین بر اساس طیف ۱ تا ۵	تعداد	احساس امنیت میزان تحصیلات
۰/۰۲	۲/۷	۷	۳/۳	۶۶	بی‌سواد و ابتدایی
			۳/۲	۵۴	سیکل
			۳/۴	۹۴	دیپلم
			۳/۵	۶۱	فوق دیپلم
			۳/۴	۵۳	دانشجو
			۳/۶	۵۴	لیسانس
			۴/۰۶	۲	بالتر از لیسانس

جدول فوق نمره احساس امنیت اجتماعی را بر اساس میزان تحصیلات نشان می‌دهد. با توجه به مقدار F و p تفاوت معناداری بین میزان تحصیلات و میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به شاخص میانگین برای هر گروه تحصیلی می‌توان گفت که افراد با تحصیلات بالاتر از دیپلم دارای احساس امنیت بیشتری می‌باشند.

۳-۸- آزمون تحلیل واریانس بین احساس امنیت و وضعیت تأهل

سطح معناداری	F	df	میانگین بر اساس طیف ۱ تا ۵	احساس امنیت وضعیت تأهل	
				تعداد	
۰/۰۰	۱۵/۰۹	۲	۳/۱	۱۳۸	مجرد
			۳/۵	۲۳۹	متأهل
			۳/۴	۷	مطلقه

جدول فوق، نمره احساس امنیت اجتماعی را بر اساس وضعیت تأهل نشان می‌دهد. با توجه به مقدار f و p تفاوت معناداری بین وضعیت تأهل و میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به شاخص میانگین افراد متأهل که مقدار آن ۳/۵ نمره می‌باشد دارای احساس امنیت بیشتری می‌باشند.

۴-۸- آزمون همبستگی پیرسون بین احساس امنیت و میزان سن

آزمون پیرسون		متغیر وابسته:
سطح معناداری	شدت رابطه	احساس امنیت
۰/۳۶	۰/۰۳۹	سن افراد

جدول فوق احساس امنیت اجتماعی را بر اساس میزان سن نشان می‌دهد. با توجه به ضریب همبستگی و سطح معناداری بین این دو متغیر از لحاظ آماری رابطه معنادار نمی‌باشد.

۸-۵- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی)

مرحله	متغیرهای وارد شده	R	R2	R2 اصلاح شده
۱	پایگاه اقتصادی و اجتماعی	۰/۶۳۲	۰/۴۸۵	۰/۴۸۳
۲	نقش نیروی انتظامی	۰/۷۲۲	۰/۵۵۵	۰/۵۲۰
۳	عملکرد رسانه‌ها	۰/۸۴۹	۰/۷۹۹	۰/۷۲۰
۴	اوضاع فیزیکی و اجتماعی شهر	۰/۹۲۳	۰/۸۸۲	۰/۸۸۱
۵	سرمایه اجتماعی	۰/۹۵۲	۰/۹۲۱	۰/۸۸۹
۶	جنسیت	۰/۹۷۷	۰/۹۵۲	۰/۹۵۰

بررسی نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که معادله پیش‌بینی رگرسیونی ما دارای ۶ مرحله است. بر اساس نتایج، ضریب همبستگی چند متغیره نشان می‌دهد که در مجموع متغیرهای پایگاه اقتصادی و اجتماعی، نقش نیروی انتظامی، عملکرد رسانه‌ها، اوضاع فیزیکی و اجتماعی شهر، سرمایه اجتماعی و جنسیت توانسته ۸۹ درصد از واریانس متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) را پیش‌بینی نمایند. با توجه با اینکه ۹۵ درصد از واریانس متغیر احساس امنیت اجتماعی به وسیله متغیرها تبیین شده و تنها ۵ درصد ($1 - R^2 = 11$) از واریانس متغیر وابسته تبیین نشده؛ درکل متغیرها دارای قدرت تبیین بالایی بوده‌اند.

۸-۶- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی)

نام متغیر	B	Beta	T	Sig.T
پایگاه اقتصادی و اجتماعی	۱/۱۴	۰/۶۳۲	۱۲/۶۳	۰/۰۰۰
نقش نیروی انتظامی	۰/۹۸۹	۰/۴۶۳	۱۳/۹۴	۰/۰۰۰
عملکرد رسانه‌ها	۱/۰۲	۰/۴۴۴	۱۵/۳۲	۰/۰۰۰
اوضاع فیزیکی و اجتماعی شهر	۰/۹۸۹	۰/۴۱۶	۱۸/۹۸	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۰/۹۱۷	۰/۲۰۶	۱۲/۰۶	۰/۰۰۰
جنسیت	-۰/۵۱۴	-۰/۰۶۲	-۲/۸۶	۰/۰۰۳

با توجه به همبستگی قوی ($R = ۰/۶۳۲$) بین احساس امنیت و عملکرد نیروی انتظامی وجود دارد. مقدار $R^2 = ۰/۵۲۱$ نشان می‌دهد که متغیر مستقل $۰/۴۸۳$ از واریانس متغیر وابسته را در جمعیت نمونه تبیین می‌کند. ضریب $Beta = ۰/۶۳۲$ جهت مثبت و رابطه مستقیم دو متغیر را نشان می‌دهد. ضریب $B = ۱/۱۴$ حاکی از این است که به ازای یک واحد افزایش در متغیر مستقل (عملکرد پلیس) $۱/۱۴$ واحد به متغیر میزان احساس امنیت افزوده می‌شود. معنادار بودن رابطه فوق را $T = ۱۲/۶۳$ و سطح معناداری $sig = ۰/۰۰۰$ نشان می‌دهد.

بنابراین فرضیه مربوط به نقش نیروی انتظامی و احساس امنیت با فاصله اطمینان $P < ۰/۰۵$ تأیید می‌شود و همچنین با توجه به یافته‌های جداول سایر فرضیه‌ها با فاصله اطمینان $P < ۰/۰۵$ تأیید شده‌اند و تنها متغیر سن با احساس امنیت رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد.

بدین ترتیب ضرایب B نشان می‌دهد که در مرحله نخست، به ازای افزایش یک نمره به متغیر عملکرد نیروی انتظامی $۱/۱۴$ به میزان احساس امنیت اجتماعی افزوده می‌شود و در مرحله دوم، به ازای افزایش یک نمره به متغیر عملکرد رسانه‌ها

۰/۹۸۹ نمره به میزان احساس امنیت اجتماعی افزوده می‌شود و تا متغیر پنجم که به ازای افزایش یک نمره به هر متغیر میزان احساس امنیت شهروندان به میزانی که در جدول ۶ آمده احساس امنیت افزایش خواهد یافت. و در متغیر ششم که به ازای افزایش یک نمره به متغیر جنسیت ۰/۵۱۴- از نمره احساس امنیت اجتماعی کاسته خواهد شد.

۹- نتیجه‌گیری

آنچه به عنوان نتایج این مقاله می‌توان بر آن تأکید کرد در موارد زیر قابل ارائه است: از مباحث مطرح شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با SPSS و مطالعات میدانی انجام شده در این پژوهش چنین بر می‌آید که: از کل ۳۸۴ نفر نمونه این پژوهش، ۷۳ نفر (معادل ۱۹ درصد) دارای احساس امنیت کم، ۲۱۱ نفر (معادل ۵۵ درصد) در سطح متوسط و ۱۰۰ نفر (معادل ۲۶ درصد) دارای احساس امنیت بالا بوده‌اند.

با توجه به سنجش طیفی احساس امنیت (از ۱ تا ۵) میانگین نمره احساس امنیت مردان ۳/۵ و زنان ۲/۴ بوده که نشانه احساس ناامنی بیشتر در بین قشر زنان مشاهده شده است. همچنین در نمونه مورد نظر مجردین با میانگین نمره ۳/۱ نسبت به متأهلان که نمره آنها ۳/۵ بوده از احساس امنیت کمتری برخوردار بوده‌اند. و در سنجش احساس امنیت بر حسب گروه‌های تحصیلی، میزان احساس امنیت از دیپلم به بالا با افزایش تحصیلات احساس امنیت هم بالاتر رفته است.

نتایج آزمون رگرسیون نشان دهنده آن است که بر حسب ارزش ضرایب (بتا) به ترتیب متغیرهای عملکرد نیروی انتظامی، عملکرد رسانه‌ها، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، اوضاع فیزیکی و اجتماعی شهر، سرمایه اجتماعی و جنسیت توانسته‌اند ۹۵ درصد از واریانس متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) را تبیین نمایند و در مجموع نتایج مربوط به همبستگی‌ها و تحلیل رگرسیون با رویکرد نظری تحقیق حاضر مطابقت دارد و فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کنند به استثنای متغیر میزان سن که با میزان احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری نداشته است. در مجموع ۲۶

درصد از شهروندان شهر مرزی خواف دارای احساس امنیت بالایی بوده و بقیه از احساس امنیت بالایی برخوردار نمی‌باشند.

۱۰- راهکارهای پیشنهادی

با توجه به نتایج یافته‌های تحقیق از بحث احساس امنیت در شهر مورد نظر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- توجه نهادهای سیاسی و امنیتی جهت ایجاد یک جو صمیمانه در بین شهروندان جهت جلوگیری از آشوب‌ها، اغتشاشات و جدال‌های مذهبی با توجه به ترکیب شیعه و سنی در این شهرها.

- توجه ویژه نیروی انتظامی در حفاظت از مرزهای شرقی به دلیل آنکه شهروندان شهرها و روستاهای طرفین مرز با همدیگر اشتراکات مذهبی و فرهنگی داشته و با توجه به سابقه‌ی سکونت افغانه در دهه ۱۳۶۰ در شهرهای مرزی خراسان رضوی و شناختی که از فضای اجتماعی و فیزیکی شهر به خاطر دارند و با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی افغانه در کشورشان همواره تمایلی برای برقراری ارتباط با شهروندان شهرهای مرزی خواهند داشت.

- سرمایه‌گذاری بیشتر دولت در شهرهای مرزی و ایجاد طرح‌های صنعتی بزرگ که این خود باعث جمعیت‌پذیری بیشتر و ماندگاری جمعیت در این شهرها شده و به تبع آن تردها، مشارکت‌ها و توجه دولت به سرمایه‌گذاری ایجاد شده بیشتر شده و حفاظت مرزی و درونی افزایش یافته و در نتیجه احساس امنیت در شهروندان افزایش می‌یابد.

- توسعه اعتماد اجتماعی در بین ساکنان یک شهر، محله و ...؛ زیرا ساکنان یک محل با پشتوانه‌ی چنین سرمایه‌ای، احساس امنیت بیشتری نسبت به پیرامون همسایگی خود دارند.

- پلیس با گشت‌های ویژه در روز و شب به کنترل و نظارت بیشتری در سطح شهر پردازد تا احساس ناامنی شهروندان به ویژه زنان نیز کاهش یابد.
- ساماندهی، بهسازی و نوسازی ساختمان‌های مخروبه یا نیمه‌کاره و امکانات فرسوده و قدیمی در جهت افزایش امنیت شهروندان به ویژه امنیت زنان که این امر توسط شهرداری شهر باید انجام گیرد.
- نیروی انتظامی با استفاده از رسانه‌های جمعی مانند رادیو و تلویزیون و تهیه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی هشدارهای لازم را برای تقویت احساس امنیت شهروندان اطلاع رسانی نماید و روزنامه‌ها و سایر رسانه‌های جمعی اخبار مربوط به عاملان ناامنی و مجازات آنان را صادقانه به اطلاع شهروندان برسانند.

منابع فارسی

- احمدی، حبیب و همکاران (۱۳۸۶). «بررسی رابطه بین مشارکت مردمی و احساس امنیت اجتماعی مورد مطالعه شهر اسلام آباد غرب»، فصل‌نامه توسعه انسانی، دوره اول، شماره ۴، شهید چمران اهواز.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). «ساختار و تأویل امنیت». فصل‌نامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۱، بهار.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۴)، کندو کاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زنگنه، مهدی (۱۳۸۴). «ارزیابی و تحلیل کاربری اراضی شهر خواف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر و منیژه نویدنیا (۱۳۸۵). «بررسی امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت» در تهران، مجله اینترنتی فصل نو. سال دوم.

- ساروخانی، باقر و شراره مهدیزاده (۱۳۸۴). «تلویزیون، مخاطب و نگرش»، مجله جامعه شناسی ایران، انتشارات آگاه، دوره ششم، شماره ۴.
- شریعتی، سعید (۱۳۸۴). بررسی احساس امنیت عمومی در استان خراسان. پژوهشکده اقبال. جهاد دانشگاهی مشهد.
- طاهری، زهرا (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی»، رساله کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، به راهنمایی دکتر رسول ربانی، دانشگاه اصفهان.
- عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۴). «تحلیل مقایسه‌ای احساس امنیت اجتماعی - اقتصادی مردم مشهد و کشور»، مجله فرهنگ خراسان، سال پنجم، شماره ۱۲. تابستان ۸۴.
- فرماندهی نیروی انتظامی اصفهان (۱۳۷۸) «مجموعه مقالات برگزیده همایش افزایش امنیت روانی با محوریت خانواده»، انتشارات کیاراد.
- گیدنز، آتونی. (۱۳۷۶)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مرکز بهداشت و درمان شهرستان خواف، (۱۳۸۸)، واحد آمار و اطلاعات.

انگلیسی

- Adu-Mireku, Samuel. (2002). *Fear of Crime Among Residents of Three Communities in Accra, Ghana*, International Journal of Comparative Sociology. IJCS 43(2):153-168.
- Bedenbaugh, Cheryl. (2003). *Measuring Fear of Crime On Campus: A Study of an Urban University*; A Thesis Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State University and -----

-Agricultural and Mechanical College in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in The Department of Sociology ,B.S., University of Louisiana at Lafayette, 1992, August 2003.

-Ferguson, Kritstin M. & Chales H. Mindel.(2007). *Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory*, *Crime & Delinquency*, Volume 53, Number 2, Aapril 2007, 322-349.

- Hale, C. (1996). *Fear of crime: a review of the literature*, *International Review of Victimology*, 4, 79-150.
McCrea, Rod. Shyy, Tung-kai . John, Western and Robert J. Stimson .(2005). *Fear of Crime in Brisbane: Social and neighbourhood factors in perspective*, *Jornal of Sociology*, 2005 The Australian Sociology Association, Volume, 41(1):7-27.

-Renauer, Brian.C. (2007). *Reducing Fear of Crime: Citizen, Police, or Government Responsibility?*, *The Journal of Police Quarterly*, Volume 10; Number 1, March 2007 41-62,© 2007; Sage Publications, <http://pqx.sagepub.com>